



# ظرفیت تحول

روح اله رضاعلی

طرح و برنامه‌ای درسی برای آموزش در مدرسه تجویز می‌کردند. این موضوع بسیار آسیب‌زاست، چرا که یک برنامه جامع و همه‌جانبه که به فرهنگ اسلامی و ایرانی متعلق باشد، شکل نمی‌گرفت. به هر حال، با انجام مطالعات مستقل و تطبیقی و تشکیل کمیته‌های متعدد تا سطوح مناطق آموزشی و تشکیل دبیرخانه طرح در سال ۱۳۸۴ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در نهایت «برنامه درسی ملی» پس از جلسات متعدد، در شهریورماه ۱۳۹۱ در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب نهایی رسید تا نقشه راه کلیه سیاست‌گذاری‌ها و تولید محتوای آموزشی و تربیتی باشد. دوباره سؤال آن معلم در کلاس مطرح است که در برنامه درسی ملی، چرا فطرت‌گرایی توحیدی به‌عنوان رویکردی اساسی وجود دارد؟ و به زبان ساده، این رویکرد یعنی چه که برای همه برنامه‌های درسی انتخاب شده است.

نظام‌های آموزشی می‌گوییم کتاب‌محور. یعنی کتاب‌های درسی مسئولیت تمامی محتوای آموزشی نظام آموزشی را به دوش می‌کشند و دیگر جایی برای سایر اجزا مانند مجلات، برنامه‌های آموزشی، خلاقیت‌های معلمان و نیازهای خاص دانش‌آموزان براساس موقعیت فرهنگی جغرافیایی محل سکونت، وجود ندارد.

از وقتی آموزش و پرورش رسمی در ایران که تقریباً قدمت ۱۵۰ ساله دارد، شکل گرفت، اغلب معلمان و کتاب‌ها و برنامه‌ها، و حتی ساختمان‌ها، از سایر کشورهای پر نفوذ در آن عصر ایران اقتباس شده بودند. به هر حال، با گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، وجود برنامه‌های در سطح ملی تا محلی احساس شد که بر تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی استوار باشد. وجود این برنامه منسجم و پویا از شعار اصلی انقلاب یعنی «استقلال» و پیوند آن با عدالت آموزشی شکل گرفت؛ آموزه‌ای که آن پیر فرزانه به زیبایی هر چه تمام‌تر گفت: «ایران را مدرسه کنیم.»

البته فراموش نکنیم، رشته برنامه‌ریزی درسی هم در کشور ما رشته‌ای نوپاست که در آن زمان در دوره «ترجمه» به‌سر می‌برد. یعنی اغلب مسئولان و کارشناسان ذی‌ربط، با اندیشه‌های گوناگون، با سفر به ژاپن یا مالزی یا هر کشور توسعه‌یافته،

قطعاً با برنامه درسی ملی آشنا هستید. اگر آن را نخوانده باشید، حداقل از زبان مسئولان منطقه یا مدیر مدرسه خودتان شنیده‌اید که برنامه درسی ملی یکی از اسناد تحولی است که ما باید بر اساس آن اقدام کنیم. با گذشت قریب به یک دهه، هنوز فهم مشترکی از این گونه واژه‌های تحولی که به نظام آموزشی ما وارد شده‌اند وجود ندارد. یادم هست، در کلاس، یکی از معلمان حاضر در جلسه پرسید: ما برای چه باید بدانیم فطرت‌گرایی توحیدی یعنی؟ اصلاً فطرت‌گرایی چند شکل است که توحیدی بودن آن را تأکید می‌کنید؟

برنامه درسی محصول فرایند برنامه‌ریزی درسی است. به عبارت دیگر، آنچه برای تعیین گستره و عمق مفاهیم و محتوای آموزش انجام می‌شود، عمل برنامه‌ریزی درسی است و محصول هم همان برنامه‌ها و نقشه جامع یادگیری برای نظام آموزشی برنامه درسی است. حال ممکن است این محصول بر یک جزء تمرکز داشته باشد؛ مانند کتاب‌های درسی. به این گونه

شاید لازم باشد گذری کوتاه به لغت‌شناسی فطرت داشته باشیم.

### فطرت یعنی چه؟

فطرت از ریشه فَطَرَ و به معنای شکافتن است. در واقع به معنای شکافتن و بیرون آمدن از تاریکی و نوعی آفرینش و به وجود آوردن باکیفیت است. در زبان انگلیسی نمی‌توانیم کلمه‌ای را پیدا کنیم که عیناً و با همان بار محتوایی به معنای فطرت وجود داشته باشد. شاید بتوان به کلمه Nature به معنای ماهیت یا سرشت اشاره کرد، اما در قرآن کریم، در چندین آیه واژه فطر ذکر شده است. به هر حال، فطرت بر نوع و چگونگی خلقت انسان دلالت و حد و مرز انسان بودن را مشخص می‌کند.

ممکن است در ذهنتان این سؤال مطرح شود که بین غریزه و فطرت چه تفاوتی وجود دارد؟ شهید مطهری تفاوت این دو را به زیبایی مشخص کرده است: «غریزه در حدود مسائل مادی همچون غریزه گرسنگی و غریزه جنسی است،

ولی فطرت به مسائل ماورای حیوانی چون فطرت حقیقت‌جویی، فطرت کمال‌طلبی و گرایش به کمال مطلق، فطرت خیرخواهی و گرایش به فضائل انسانی است» (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۶۶).

به عبارت دیگر، ما باید نقشه و مسیری را ترسیم کنیم که در نهایت انسان (دانش‌آموز) را به اصل و ذات خویش نزدیک کند تا بتواند محیط و موقعیت کنونی خودش را بفهمد و برای رسیدن به وضعیت مطلوب که همان انسان کمال‌یافته (دانش‌آموز با همان ویژگی‌هایی که برای آن بیان شده است، مانند (حقیقت‌جو، وطن‌دوست، خلاق کارآفرین، سالم و بانشاط) است، تلاش‌ها و اقدامات اصلاحی داشته باشد.

اما میان فطرت و تربیت چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا موضوع فطرت‌گرایی را باید با نظام تعلیم و تربیت، خاصه برنامه‌ریزی‌های درسی، تلفیق کرد؟

برای توضیح چرایی هر برنامه باید از مبانی یاری گرفت. مبانی به‌مثابه ریشه درخت برنامه‌درسی است. توصیف ماهیت

انسان (دانش‌آموز)، ماهیت ارزش، ماهیت معرفت و ماهیت هستی، فضای فکری شفاف‌ی برای تعیین «رویکرد» برنامه‌ریزی درسی به وجود می‌آورد (ملکی، ۱۳۹۹).

معلمی را تصور کنید که در اولین روز کلاس و درس، وقتی با دانش‌آموزان مواجه می‌شود، به چهره‌های خندان و پرنرژی بچه‌ها نگاه می‌کند. آن‌ها را سرشار از استعداد می‌بیند. طبیعت و سرشت این بچه‌ها کنج‌گاو و شادی است. فقط کافی است من در مسیر درست و طبیعی رشد این بچه‌ها حرکت کنم. کافی است از روش‌های تدریس فعال و مناسب و دقیق استفاده کنم. در این زمینه پستالوژی می‌گوید: «آموزش و پرورش ابتدایی که تربیت طبیعت انسانی هم هست، چیزی جز موافقت با طبیعت برای شکفته‌شدن و پرورش اکتشافات ذاتی قوای انسان نیست» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۹).

#### منابع

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار. جلد ۳. صدرا. تهران.
۲. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۹). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. کتابخانه طهوری. تهران.
۳. ملکی، حسن (۱۳۹۹). نظریه فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی. انتشارات مدرسه. تهران.

